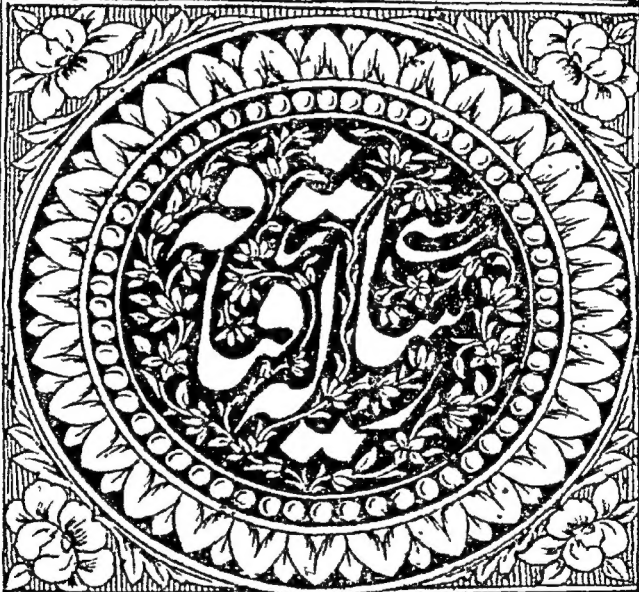
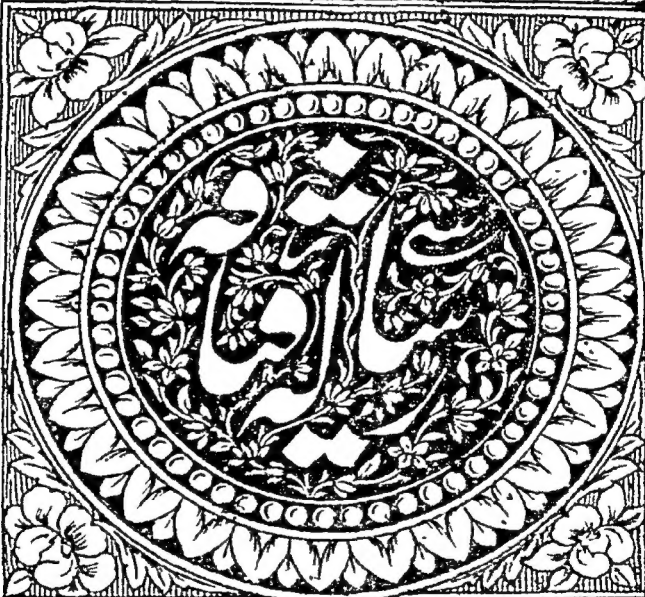


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وَبَشِّرِ الصَّالِحِينَ الَّذِينَ إِذَا أُتُوا بِالْحَبَرِ قَالُوا هَذَا الَّذِي قُلْتُمْ لَنَا فَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ وَصَلِّ وَسَلِّمْ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مُحَمَّدٌ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ
وَالْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي تَالِبٍ

خمرست ساله قیافه درشتنا خطوط دست پای و وزن که از ان سعادت و شقاوت معلوم میشود

فصل اول در معرفت قیافه مردان منشعبت و شعبه

شعبه اول درشتنا بتیس لکچین متنوع بدو نوع

نوع اول در بیان تنین لکچین بحسبیت پیش	نوع دوم در بیان تنین لکچین بحسبیت پس
---------------------------------------	--------------------------------------

شعبه دوم درشتنا علامات خیر و شر و سعادت و شقاوت متنوع بسه نوع

نوع اول درشتنا نشانهای خیر و شر از روی خلقت اعضا از سه تریا

پیشانی	خال پیشانی از بر و خیمه منی	کوشش کام در زبان و پیشانی لب و دندان
--------	-----------------------------	--------------------------------------

خنج رخسار چهره و دهان کردن	پس کردن پیش بازو دست آرنج بند دست	خال کف دست انگشت پستان استخوان پهلوی شکم
----------------------------	-----------------------------------	--

ناف ذکر سینه	ران مری ران ساق	زانو پاشنه و کف پا منهن
--------------	-----------------	-------------------------

انگشتان استخوانهای دست پاخن	آواز
-----------------------------	------

نوع دوم در شناخت خطوط دست و پا		
۱۶	خطوط پیدایی کف و بند دست	۱۷
۱۸	خطوط پیدایی انگشتان	۱۹
۲۰	کوثر می	چکر در انگشتان سنک و در بطن انگشتان پیشم در بطن انگشتان
نوع سوم در بیان قد		
فصل دوم در بیان شناخت قیافه زمان از پاتاسر		
۲۲	سرن کمرات	۲۱
۲۳	پشته تنگ ساق اندام	کف پایش پاشگل هم
۲۷	کردن کف و نخدان غیب	۲۵
۲۶	بستان کف دست و پا	شکم سینه و پشت بهواری بر پشت و سینه
۳۱	خال پیشانی سوسه سر سوسه سر روی دهن و بینی	۲۹
۲۸	دندان و زبان و تن زبان کام بینی	رخسار چشم و گوش پیشانی
بوی مان قد بسیار خوار بسیار خواب پر کوب بسیار خوار		۳۲
نیمه		نیمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الحكيم الحميد الفاعل لما يريد الذي خلق العبيد فمنهم شقي وسعيد
والصلوة والسلام على افضل الخلق وتحسن الخلق محمد المبعوث بالبيئات
الفتاح لايواب الخير والسعادات وعلى آله وعترته الكرام وصحبه اية السلام
بعد اذن مخفي مباد كه اين رساله است در علم قياقه و معرفت خطوط و سبک
و غير آن كه علامت خير و شر و سعادت و شقاوت مرد و زن از آن معلوم
و آن شملت بر دو فصل **فصل اول** در معرفت قياقه مردان شعب بدشعبه
شعبه اول در معرفت ^{۲۱}شعبه بدشعبه يعني خصائل سي و دو گانه و علامات
سي و دو گانه كه دلالت بر خير و سعادت كند و آن متنعست بد و نفع
نوع اول در بيان ^{۲۲}شعبه بدشعبه يعني خصائل و سیرت بدشعبه **فصل اول** حسن

حسن خلق و نیک محضی دهم ششم و حیا سوم علم و بر و باری چهارم حسن عقل و
 تقوی و صاحب فطرتی پنجم صلاح و تقوی ششم اصالت و نجابت هفتم خرد
 طبع و صفای ذهن ششم صاحب کمالی و عالی شانی نهم علم و هنر دهم
 تواضع و فروتنی یازدهم شقامت مزاج و دوازدهم لطف و رحم سیزدهم
 تشیع و دینداری چهاردهم لطافت و ملافت پانزدهم محبت و دلدار
 شانزدهم اعتدال مزاج و شصت و هفدهم زنده دلی و سیکر و حی هجدهم یار با
 و خوش معاشی نوزدهم عصمت و عفت بیستم کم خواری بیست و یکم کم خوا
 بست و دوم خدمتگاری مرشد و بزرگان بیست و سوم حق گزاری اهل
 بتوفیق بیست و چهارم کارهای خیر و ثواب کردن بیست و پنجم خودخواه و
 بیست و ششم زهد و ورع بیست و هفتم حسنه و نیکی در حق مردم بیست و هشتم
 سخندانی و شعور نهمی بیست و نهم عدالت و صفت شایسته شجاعت و جرات
 سیمای کم حق گزاری و خدمتگاری محض و سیم و دوم قدر دانستن و خادمان
 دهم در بیان پیش لیکن بحسب خلقت بعضا و صورت از انجمله پنجم
 سرخ باید هفت عضو است اول تاخن و دوم چشم سوم لب چهارم کام پنجم
 زبان ششم کف دست هفتم کف پا و آنچه باریک و تنگ باید پنج است

بیست و
 بیست و
 بیست و
 بیست و

اول بندهای عضاه و مفصل دوم دندان سوم جلد بدن چهارم ناخن پنجم
 ششم و آنچه بر او قریب باید سه است اول پیشانی دوم خیار سوم سینه و آنچه در آن
 باید پنج است اول بینی دوم فاصله سر و دوستان سوم چشم چهارم منخ پنجم
 باز و آنچه کوتاه باید چهار است اول کتف و دوش دوم ذکر سوم ران چهارم
 کردن و آنچه بلند باید پنج است اول پیشانی دوم چهره سوم ناخن چهارم سینه پنجم
 یعنی و آنچه عمیق باید سه است اول ناف دوم آواز سوم عقل پس عقل مشترک
 باشد میان سیرت و صورت و عضای مذکور که در هر دو نوع ذکر یافت مشترک
 باشد میان مرد و زن مگر بعضی چیز که مخصوص مرد است مثل شجاعت و دراز
 و کوتاهی فکر و غیر آن شصیه دوم در معرفت علامات خیر و شر و سعادت
 و شقاوت و آن متوجع است بسه نوع نوع اول در معرفت علامات خیر
 و سعادت و شقاوت بحسب خلقت اعضا از ستر تا پادین تفصیل پیشانی بلند
 علامت بخت آوردی و ولتمندی بود و پیشانی کشاده بحد اعتدال مهور و خوش اندام
 مثل نصف ماه علامت سلطنت دولت بود و پیشانی پهن و کشاده علامت
 علم و دانش بود و پیشانی تنگ و پست علامت کوتاهی عمر و بد بختی باشد و پیشانی
 نامهور و پست و بلند علامت ریخ و محنت و گذرانیدن عمر بسختی و دشواری

چشم

نیت
روشنی

۱۰

چشم

نیت

و دوشواری باشد و خال بر پیشانی علامت نجات اوری و سبب خرد و در
یعنی در منتهای نیت موی سر مقابل ابرو و طوطی است سر که موی
علامت نجات اوری بود ابروی کشیده و خوش خرم و دنباله دار علامت دولت
و سلطنت بود و ابروی پیوسته علامت دزدی باشد و ابروی بیوکم
علامت نکبت و فلاکت بود اگر استخوان میان هر دو ابرو بسیار بلند برآمده باشد
علامت دولت و سلطنت بود چشم سیاه و سفید که رگهای سرخ در روی رگبند
باشد علامت شاهد پرستی و نظر بازی و بهره مندی از زنان بود و خصوصاً
اگر خلل سیاه بر سطح بیاض دیده باشد چشمیکه برنگ چشم شیر بود یعنی اندک
میگونی زند علامت شجاعت و تهور باشد و چشمیکه مثل چشم کاه و کلان بود
و بیضه دیده اش بلند برآمده باشد علامت قاجات و بی شرمی و چشمیکه
مثل چشم کرب از رزق و کبود و سبز رنگ باشد علامت بد خلقی و بهیرونی
بود خصوصاً اگر گرد و جد و قهقهه مثل زنا را دارد اندک سیاهانی طوفانی دیگر باشد
و منع هدا اگر آن مرد کوبج بود بدتر باشد یعنی دراز بلند باند ام علامت دولت
و سعادت بود و چشمی مثل منقار طوطک که اندکی تشنه دارد از پیش خمیده و
میانه باند ام بود آن نیز علامت دولت و سعادت بود و هر بنی که در دراز

و کوتاهی و بلندی و پستی و باریکی و فریبی میانه و خوش اندام و خوشنما بود علامت
نیک باشد و پستی بسیار بلند و باریک و پشته دار علامت سبکساز و کوتاهی
پشت و پهن علامت شهوت بود و پستی که از میان و از پیش و پس بلند باشد
علامت شرارت و بد ذاتی بود و پستی باریک که چنانچه سر پستی و پرا افتاد
باشد علامت بد خلقی و بد رو بود و پستی گنده و فریب و فراخ علامت
و تکبر بود و پستی که در رازی و کوتاهی و باریکی و فریبی و بلند و پستی از حد
اعتدال متجاوز بود و پسندیده نباشد گوش کلان و پهن علامت عمر دراز
باشد و گوشیکه در رازی و کوتاهی و لاغری و پهنادری بعد اعتدال
علامت سعادت و اخلاق پسندیده باشد و موسی بر گوش علامت
و محنت بود و گام و زبان سرخ علامت دولت مال بود و گام و زبان سفید
علامت نکبت و فلاکت باشد و زبان سیاه علامت شقاوت و بدختی باشد
و زبان قرمز و خشک علامت دروغ گوئی باشد لثه سیاه یعنی گوشه بن
دندان که سیاه باشد علامت دولت مال بود و لبهای سرخ علامت سعادت
دولت بود و لبهای سیاه علامت نکبت و بد و لثی باشد اگر لب زیر برین
یا سطح باشد علامت رنج و محنت بود و دندانهای خرد و باریک بعد اعتدال مثل

مثل دندانهای انار علامت دولت و سعادت بود و دندانهای براق و جلالت
علامت دولت و مال بود یا علامت فقر و ترک دنیا باشد دندانهای روغنی
و بی جلا و کم و زیاده و از بیم برآکنده و دراز و فاصله از مثل دندانهای
خرس و شوک این همه علامت بخت و محنت و نکت و فلاکت بود و دندانهای
بالائی دندان رسته علامت دولت مال باشد و دندانهای ناهموار علامت علم
و هنر بود و دندان علامت دولت و عیش و عشرت باشد کسی که دندان
علامت دولت و سلطنت و سی دندان علامت نیک باشد و بیست و نه دندان
علامت بخت و محنت بود و دندان زیاده از سی و دو کم از بیست و نه علامت
ظلم و بی رحمی و قسوت قلب بود و پنج مدور و خوش کوهت و دراز می گویند
و فریبی باریکی میانه علامت سعادت و دولت بود و خال بر پنج علامت
زنانگی و زنا طبع بود و باید که مردان بران بوسه زنند و خسار نماند
خوش کوهت علامت دولت بود اگر در وقت سخن گفتن و خندیدن بر خسار
افتد علامت سعادت و دولت بود و چهار باریک خوش کوهت مال برآورد
علامت شرم و حیا بود و دهان تنگ مثل غنچه کل علامت سعادت و دولت بود
و دهان مثل موش و آسپ علامت نکبت و فلاکت بود و گردن باریک علامت

[illegible]

نماید علامت دولت و تهور و شجاعت باشد خال سیاه و کف دست چنانچه
 اگر دست ببرد در دست باید علامت دولت و مال و نعمت بود چون کشتن
 دست را با هم متصل ساخته است بداند اگر در پنج انگشتان با این هر دو
 انگشت فاصله نماید و در یکجه دراز نماید علامت است که نگاشته نصف
 بود و مال پیش او جمع نشود و اگر فاصله نماند و در یکجه نماید علامت است که
 انگشتان یک باشد و مال پیش او جمع شود و اگر انگشت خنصر دست است دراز باشد
 چنانچه از بند اول انگشت بصر بگذرد و نگردد دولت و نعمت از بند خود نماند
 اگر در بند و پستان فرجه علامت دولت و مال بود اگر پستان چپ فرجه
 تراز پستان راست باشد او را زن خوب نصیب گردد و پستان لایق کم
 گوشت علامت نکبت و فلاکت بود و دست استخوان در پهلوی علامت سلطنت
 و پادشاهی بود و نه استخوان در پهلوی نیز علامت سلطنت و دولت بود
 و ده استخوان در پهلوی علامت فقر و درویشی باشد و یا ده استخوان در پهلوی
 علامت کمال خرد و پیرمندی بود و دوازده استخوان در پهلوی علامت رنج
 و محنت و فلاکت بود و سی و سه استخوان در پهلوی علامت دولت و مال بود
 و چهارده استخوان در پهلوی علامت بزرگویش باشد شکم کلان علامت

خاکستری

خاکستری

پستان

خاکستری

خاکستری

خاکستری

نعمت و مال بود و حکیم بر گوشت خویش اندام نیز علامت نعمت و دولت باشد
 و حکیم در از نبی گوشت و بگورفته و با پشت چسپیده علامت نکبت و فلاکت
 ناف عمیق خوش گوشت علامت دولت و مال بود و کبر بسیار در آن
 علامت نکبت و فلاکت باشد و اگر ذکر از طرف ریست بلند تر باشد
 زن خوب و نیک بخت نصیب او گردد و اگر از طرف چپ بلند تر باشد او را
 فرزندان و اولاد بسیار شود و اما از زن خوب بی نصیب باشد و در برج و
 بود و اگر سر ذکر بلند و پشت آن پست تر گردد زن خوب نصیب او نشود و
 و بعیش و عشرت یکذراند و اگر بعکس این بود یعنی پشت ذکر بلند تر باشد
 و نیز آن پست تر بعکس آن باشد یعنی از لذت جماع محروم گردد و زن
 از وی ناخشنود ماند **خالد سیاه** بر ذکر علامت حدیث و عشرت باز زبان
 بود و اگر منی کسی بوی بهی داشته باشد علامت کثرت اولاد و فرزندان
 و مال و دولت بود و اگر بوی شهید داشته باشد علامت حدیث و عشرت
 باز زبان بود و اگر بوی مست و تلخ داشته باشد طبیعت آن مرد بر فسق و
 فجور زنان را غلبه مایل بود و در وقت بول کردن اگر یک فواره از ناره
 جهد علامت دولت بود و اگر دو فواره جهد علامت علم و دانش باشد

باشد و اگر سه فواره جهید علامت نهد و تقوی و پیرسز بود و اگر چهار فواره جهید
 علامت نکبت و فَلَاکت باشد راتی که مثل ران گویا باشد یعنی پرکوشش
 خوش اندام بود علامت دولت و سعادت بود و ران مثل ران سپیدی
 و قوی و پرکوشش علامت دهقانی و کشاورز بود و ران مثل ران شیر
 یعنی مختصر و قوی و پرکوشش علامت دولت و مال بود و ران سیاه و ران
 کم کوشش و بسیار خرد و فریب بد اندام علامت بزه و گناه باشد موی سیاه
 بر ران علامت خواهش و رغبت بر زنان باشد و اگر موی بالکل نباشد
 علامت نکبت و فَلَاکت بود و اگر در هر سام یک موی رسته باشد علامت
 دولت بود و اگر دو موی در یکجا رسته باشد علامت علم و دانش بود
 و اگر سه موی در یکجا رسته باشد علامت عبادت و خداپرستی باشد و اگر
 چهار در یکجا رسته باشد علامت نکبت و فَلَاکت بود و مویهای دشت و
 گنده در بدن مثل موی کاو و فیل علامت علم و دانش و شهوت باشد
 و مویهای نرم و باریک علامت رنج و محنت بود و مویهای راز در
 بدن علامت درازی عمر بود و مویهای خرد و کوتاه علامت نکبت
 و فَلَاکت باشد ساق پای پرکوشش خوش اندام علامت دولت بود

رانت

سج

سج

و ساق پای قوی مثل ساق جاموس علامت آنست که زن خوب انجیب شود
 و ساق و راز خشک کم گوشت علامت نکبت و فلاکت باشد و راز نوب
 کلان خوش گوشت علامت دولت و عیش و عشرت باشد و راز نوبی کلان
 بسیار گوشت علامت نکبت و ریخ و محنت باشد و راز نوبی مثل نوبی شیرین
 علامت سلطنت و دولت بود و راز نوبی مثل نوبی آهو و موش و خوک
 نیز علامت دولت باشد و راز نوبی مثل نوبی بوزینه و خوک و خرس و شغال
 علامت نکبت و فلاکت بود و پاشنه پای در رازی و کوتاهی و فریبی و لاغر
 میانه علامت دولت بود و پاشنه پر گوشت علامت دردی بود و پاشنه
 و راز در ریخ و فلاح میانه باشد و بسیار خرد علامت نکبت و فلاکت باشد
 پشت پا خوش گوشت خوش اندام مثل پشت کشف علامت سعادت
 و دولت بود کف پا کم گوشت که میانه کف پا بر زمین نباشد و کا و ک
 ماند علامت سعادت و دولت بود و کف پا پر گوشت که میانه کف پا
 بر زمین رسد و هیچ کا و اکی نماند علامت بید و لستی باشد و در زنان بیک آن
 باشد ناخنهای دراز و نضه سرخ و نضه سفید و نکشتان هموار و با هم
 ملاصق و مجتمع چنانکه قدری فرجه نباشد علامت سعادت و دولت باشد و ناخنهای

ناخنهای پاجیچیده و از هم ترکیده و ناهموار و سفید یا زرد و پنجه یا پهن کشیدنی
 از هم جدا علامت بی ولتی بود و ناخنهای پاکه بسیار سیاه باشند علامت کمزوری
 و بند و نه پنجه و سرگردانی و پیریشانی بود و انگشتان باخرد و کوتاه علامت بی خلی
 بود و بغایت خرد و کوتاه علامت در زدی بود و انگشت ابهام که از انگشتان
 دیگر جدا و بفاصله باشد علامت رنج و محنت و مشقت و جنگجویی باشد
 و انگشت میانه پاکه از انگشت سبابه دراز تر بود علامت آنست که زن نیک
 نصیب او شود و اگر انگشت بنصر یا پای انگشت میانه و سبابه دراز تر بود
 علامت آنست که زن خوب نیک نصیب او شود و علم و دانش آموزد
 و اگر انگشت خنصر یا دراز تر بود علامت آنست که مردم بر او طعن زنند
 و مذمت کنند و اگر انگشت مذکور خرد تر بود علامت علم و دانش باشد
 استخوانهای دست و پا و غیر ذلک دراز و خوش گوشت
 باشد علامت سعادت و دولت و راحت و آسودگی بود و استخوانهای
 دراز خشک و کاداک بی گوشت علامت نکبت و فلاکت بود و استخوان
 خرد و کوتاه بسیار گوشت نیز علامت نکبت و فلاکت باشد خون
 بدن که سرخ خوش رنگ باشد علامت دولت بود و اگر مائل بکبودت

حیث

تحت
و

نوع

و سیاهی بود علامت عیش و عشرت باشد و اگر نیرنگ بک کلگون بود علامت
رج و محنت و کثرت اولاد دختران باشد آواز مثل آواز مهنس علامت
سعادت و دولت بود و مثل آواز طاووس یعنی بسیار بلند و صاف و خوش
نیز علامت دولت بود و مثل آواز قوچ علامت شهوت و مستی بود و آواز
درشت مثل آواز دهل علامت نکبت بود و قوچ و و هم در بیان نیت
خطوط دست و پا و غیره یک خط در پیشانی بعرض یعنی از شقیقه تا شقیقه
علامت دولت و مال بود و دو خط علامت سلطنت و دراز می عمر بود
و چهار خط علامت بیدولتی و درویشی باشد پنج خط نیز علامت بیدولتی
بود و عدم خط در پیشانی علامت ترک دنیا باشد و نیز گویند پنج خط در پیشانی
علامت صد ساله عمر باشد و چهار خط علامت هشتاد ساله عمر و سه خط علامت
شصت ساله عمر و دو خط علامت چهل ساله عمر و یک خط علامت بیست ساله
عمر و عدم خط علامت کم عمری بود و خط مثلث در پیشانی یا خط راست
قایم مثل حرف الف علامت ریاست و مہتری بود و زنان باور اوست
دارند یک خط در کله علامت علم و دانیش بود و دو خط علامت ہنرمندی
باشد و سه خط علامت ہوشمندی و دانائی بود یک خط در بند گاہ و نیز

نزد یک پنجه علامت سعادت و دولت بود و دو خط علامت علم و دانش بود
 و سه خط علامت کمال نهند و ریاضت بود و در کف دست خطوط و اشکال
 خندق یا قلعه یا بریق علامت تجارت و بازرگانی و مال داری بود
 و اشکال ماهی علامت دولت نعمت و فتح الباب باشد و شکل دگانه ان علامت
 و زدی بود و خطی شکل بلال یا یک فیل علامت دولت و مال و تهور و شجاعت
 باشد و شکل مرغ در کف دست علامت تهور و شجاعت بود اما انگشت و رنبد
 زندان باشد و شکل مثلث در کف دست علامت دولت و مال بود پس اگر
 خط مذکور از طرف زیر کشاده باشد یعنی خطی نظیر سراسر رسیده و احاطه
 نامه نگرده باشد بلکه از میان بسته بود علامت نیست که مال بفسق و فجور و
 بزنان فاحشه و قبحه تلف کرد و اگر کشاده باشد علامت نیست که مال تن
 رود یا بسوختن و غرق شدن و امثال آن تلف کرد و اگر پشت از طرف بالا
 کشاده باشد علامت نیست که ملامت نماید و همیشه تنگست و فکات
 بکند زند بهر حال درست و سالم بودن خط مذکور از پشت علامت جمع شدن
 دولت و مال و کشاده و ناقص بودن آن علامت تلف شدن مال است
 و اگر خطی از بین کف دست بالا رود و بانگشت بیاید و بسطی برسد علامت

دولت و مال بود و اگر آن خط بر خط مشکف بگذرد و بغایت نیکو باشد و خطیکه
 از نزد یک پنج انگشت خنصر بالا رود و پس اگر آن میان سیاه و وسطی منتهی گردد
 و این پنج جا گسته و منقطع نشده باشد علامت دراز می عمر بود و دراز
 و کوتاهی عمر را از دراز می و کوتاهی این خط معلوم نمایند و بر کنار کف دست
 با این خط اندک و خنصر هر قدر که خطهای خرد باشد همان قدر دلالت بر ثبات
 کند که بکج او در آیند اگر یکی باشد یک زن و اگر دو باشد دو زن و زیادتر بر
 و با این خط مسطور و بند دست بر کنار کف دست هر قدر که خطوط خرد باشد
 بر همان قدر عدد فرزندان دلالت کند دراز بر پسران و خرد بر دختران
 و در زیر پنج انگشت ابهام تا نصف کف دست در عرض خطوط خرد
 بر او لا و فرزندان دلالت کند و خط بندهای انگشتان که بسکلی جو بود
 و فرخ و علامت فراخ دستی و ثروت و خرج بسیار بود و خطیکه بسکلی کجک فیل
 در کف پا باشد علامت سلطنت و دولت بود و خطیکه از پاشنه پا بالا رود
 و با انگشت ابهام منتهی گردد و علامت دولت و ثروت بود اگر خط سه شاخه
 در رطین انگشت وسطی باشد علامت عیش و عشرت باشد و اگر در رطین انگشت
 بود علامت فسق و فجور بر زنان باشد و اگر در رطین خنصر بود علامت نهادر پادشاه

در بافت و عوفان باشد یک چکر در نشان است علامت دولت مال بود
 چکر علامت علم و هنر باشد و سه چکر علامت دولت و سعادت بود و چهار
 چکر علامت فداک است نکبت بود و پنج چکر علامت هنر و عیش و فلاح بود
 و شش چکر علامت شهوت و لذت و عیش و عشرت باشد و هفت چکر
 علامت شجاعت و تهور باشد و هشت چکر علامت خشم و غضب باشد
 چکر علامت دولت و سلطنت بود و ده چکر در بطن نشان برود
 علامت دولت و فتح الباب باشد یک سنگه در بطن نشان است
 علامت دولت و راحت بود و دو سنگه بالفتح خطوط تو بر لبه در بطن نشان است
 شنبه چکر مایل بر اری نشان است و دو سنگه علامت نکبت و فداک باشد
 و سه سنگه علامت در یوزه گرمی و کدائی بود و چهار سنگه علامت علم و هنر
 و پنج سنگه علامت نکبت و فداک بود و زیاده پنج سنگه تا ده سنگه علامت
 دولت و سلطنت باشد یک پدم در بطن نشان است تا چهار پدم
 علامت دولت و مال بود و پدم پنجم نشان ثانی و میم خطی بود و شش پدم
 چهار بر کی و از چهار پدم تا نه پدم علامت دولت و طالع است و پنج پدم
 پدم و نیک نشان برود و علامت کمال فقر و دانش و ترک دنیا باشد

کورسی در بطن نیکستان نیست از یکی تا پنج علامت ز بار و ریح و تقوی
 و پریشانی باشد و زیاده از پنج تا ده علامت کمال در روشنی و فقر و عرفان و
 کورسی بفتح کاف خطوطی باشند بشکل خرچهره و خطوط بسیار و کف دست
 زیاد و بر سه خط علامت محنت و رنج و کذب و دروغ کوفی بود و پوشیده
 نمایند که در دیدن خطوط دست و پا در مردان طرف است اعتبار کنند و در
 زنان طرف چپ نوع سوم در میان قد و قامت باید داشت که قریب چاه
 و دو انگشت علامت کمال فضل و سعادت و اعتبار بسیار و اما دلالت بر درویشی
 و بویزه نیز کند و مقدار انگشت در زوئی بی اعتباری و فریبندگی
 و حرص و طمع و بد فعلی و بد عملی باشد و مقدار نو انگشت در مرتبه اولی بود و مقدار
 صد انگشت در مرتبه اعلی و قد یکم مقدار نو انگشت باشد دلالت بر سی ساله
 عمر کند و از نو انگشت تا یکصد و ده انگشت آنچه بنفیر آید هر سه انگشتی پنج ساله
 عمر بنفیر آید مثلاً قد نو و یک انگشت دلالت بر سی و پنج ساله عمر کند و نو و دو
 انگشت بر چهل ساله عمر و علی هذا القیاس تا یکصد و ده انگشت بر شصت و پنج ساله
 بنفیر آید چنانچه یکصد و ده انگشت دلالت بر یکصد و سی ساله عمر کند و از یکصد و ده
 تا یکصد و بیست و پنج بنفیر آید هر سه انگشتی هفت ساله عمر بر یکصد و سی سال عمر بنفیر آید

چنانچه قد یکصد و یازده نیکشت دلالت بر یکصد و سی هفت ساله عمر و قد یکصد
 و دوازده نیکشت دلالت بر یکصد و چهل و چهار ساله عمر کند علی بن ابی القیاس هر
 نیکشتی هفت ساله عمر بفرزاید چنانکه یکصد و بیست نیکشت قد دلالت بر صد
 ساله عمر کند و چون از یکصد و بیست نیکشت قد بفرزاید عمر جاودانی یابد
 و علم ازلی حاصل کند و اسد اعلم فصل دوم در معرفت قیافه زنان از پادشاه
 تاج سر بر تن فضیل گفت پایی نرم و خوش کواشت چنانکه چون پای
 بر زمین گذارد تمام کف پایی بر زمین رسد و نقش پایی درست ظاهر گردد
 علامت سعادت و دولت بود و اگر میان کف پایی بر زمین نرسد علامت
 شقاوت و بیهوشی بود و پشت پایی خوش کواشت و همواره مثل پشت کشف علامت
 سعادت و دولت بود و خشک و راز و کواواک علامت محنت و فلاکت بود
 شکل پدیم یعنی گل کب و چکریم یعنی دایره تو بر تو در کف پایی علامت سعادت
 و دولت بود و بهر جهت شکل پدیم و چکر بر کف پایی بیشتر بهما فخر سعادت و دولت
 زیاده تر و اگر کف پایی شکل جور یا کج نیل باشد علامت سلامت و سعادت
 و دولت باشد آن زن البته پادشاه شود یا بهر که او را بکلیح در آرد نکس بدو
 غمده برسد و اگر شکل سنگه باشد یعنی دایره مایل بر رازی شبینه بچکر علامت

غایت
 فصل دوم
 در معرفت
 قیافه زنان
 پادشاه
 تاج سر
 بر تن
 فضیل
 گفت
 پایی
 نرم
 و خوش
 کواشت
 چنانکه
 چون
 پای
 بر زمین
 گذارد
 تمام
 کف
 پایی
 بر زمین
 رسد
 و نقش
 پایی
 درست
 ظاهر
 گردد
 علامت
 سعادت
 و دولت
 بود
 و اگر
 میان
 کف
 پایی
 بر زمین
 نرسد
 علامت
 شقاوت
 و بیهوشی
 بود
 و پشت
 پایی
 خوش
 کواشت
 و همواره
 مثل
 پشت
 کشف
 علامت
 سعادت
 و دولت
 بود
 و خشک
 و راز
 و کواواک
 علامت
 محنت
 و فلاکت
 بود
 شکل
 پدیم
 یعنی
 گل
 کب
 و چکر
 یم
 یعنی
 دایره
 تو
 بر
 تو
 در
 کف
 پایی
 علامت
 سعادت
 و دولت
 بود
 و بهر
 جهت
 شکل
 پدیم
 و چکر
 بر
 کف
 پایی
 بیشتر
 بهما
 فخر
 سعادت
 و دولت
 زیاده
 تر
 و اگر
 کف
 پایی
 شکل
 جور
 یا
 کج
 نیل
 باشد
 علامت
 سلامت
 و سعادت
 و دولت
 باشد
 آن
 زن
 البته
 پادشاه
 شود
 یا
 بهر
 که
 او
 را
 بکلیح
 در
 آرد
 نکس
 بدو
 غمده
 برسد
 و اگر
 شکل
 سنگه
 باشد
 یعنی
 دایره
 مایل
 بر
 رازی
 شبینه
 بچکر
 علامت

نقصه درسی و بد خوئی و بد خلقی بود و اگر در میان کت پای خطی بود در از چنانکه
از پاشنه تا نهم شان پایی سه چنانکه در فصل اول ازین باب گذشت علامت
سعادت و دولت بود و اگر نگشت ابهام پایی باریک و سرخ بود علامت
آن بود که آن زن در رضا جوئی و فرمانبرداری و اخلاص مندی شوهر بسیار
کوشد و قربی و کندگی ابهام پایی علامت آن بود که آن زن زود بیوه
گردد و اگر نگشت سبایه پایی در از تر از نگشت ابهام باشد علامت آن بود
که آن زن پر شهوت باشد و مرد بیگانه را بسیار دوست دارد و اگر از خد
زیاده در از تر باشد آن زن در وقت خوشی بکار رود و اگر نگشت مذکور
خرد باشد علامت بد خوئی و بد خلقی بود و اگر نگشت وسطی پایی در از تر باشد
علامت بد فعلی بود بعضی گویند زود بیوه گردد و اگر از نگشت از پایی است
بزرگ بزرگ آن پیش شوهری اعتبار بود و شوهر گرفته او را قبول نکند و اگر
همان نگشت از پایی چپ بین نخورد علامت دولت بود و اگر نگشت نصیر
پایی از وسطی در از تر بود آن زن زود بیوه گردد و اگر نگشت مذکور خرد تر باشد
علامت بد خلقی و بد خوئی بود و اگر همان نگشت بزرگ بزرگ ماند و شوهر
کند و اگر نگشت خضر پایی در از تر بود دلیل بشیری و حیالی بود و آن

زن شوهر بسیار کند و اگر خرد تو بر تو و برین بخور و نیز علامت بد فعلی بود و بد
 شوهر دیگر کند و اگر نکشت مذکور از پای چپ بر زمین برسد علامت سعادت بود
 و هر کس او را دوست دارد و اگر چهار انگشت پای بر زمین برسد چهار شوهر او را میسر
 و پاشنه پای اگر دراز باشد شوهر او را بسیار دوست دارد اما آن شوهر جدا می آید
 کشد و دیوار او را یعنی برادر خرد شوهرش را بیم ملاک باشد و اگر گنده و سطر باشد
 علامت نکبت و فلاکت بود و اگر از طرف راست اندکی فرجه و گنده بود علامت
 شرم و حیا و عصمت و عفت باشد و پاشنه میانه و نرم و نازک علامت دولت
 و سعادت بود و شتالینک گنده و بلند مثل شتالینک کاویش علامت قید
 و زنجیر و شلاق شوهر باشد ساق پای خوش گوشت و کاووم و صفا و بوی
 علامت سعادت و دولت بود و ساق سطر و پر موسی علامت پستاری
 بود و ساقی که مثل ساق زراغ و اندک موسی باشد و مویش مثل مو خرمی بود شوهر
 همیشه پریشان احوال باشد و اگر در وقت راه رفتن از ساقش و یا زمره و کمرش
 آواز بر آید فرزندش نرید و شوهرش بمیرد و زنیکه اندام نهانی او پست بلند باشد
 آن زن بدکاره بود و شوهر بسیار کند و اگر مانند پشت کشف باشد یعنی بد
 پشت و از خوش گوشت و خوش نما باشد علامت سعادت و دولت بود

چهار

چهار

نیم

و اگر مانند باشد نیز علامت دولت بود و اگر خرد باشد علامت توانگری و
مالداری بود و مع هذا اگر درشت و سخت و پرموی مثل موی فیل باشد آن بن
البته کنیز و پرستار کرده و اگر از جانب راست اندکی بلند باشد علامت سب
بود اما بسیار پیران زاید و اگر دراز و خشک و بی گوشت باشد علامت شقاوت
و ملالت و فلاکت باشد و اگر بر پیشانی اندکش به نری باشد او را فرزندان حساب
دولت بسیار باشد و اگر بجانب راست اندکش یا بر پیشانی آن خال سرخ
باشد علامت دولت و سلطنت بود و اگر آن سیاه باشد مع هذا و راز بود
علامت رنج و محنت باشد و چهره برین هر چه گوشت بلند و پهن علامت سعادت
و دولت بود و اگر یکدک مثل کمر شیر و یوز علامت سعادت و دولت بود
و کمر فرید و سبیلر علامت اندیشه بود و ناصت عمیق علامت آنست که
شومهرش بسیار بخوابد و دوست دارد و نواف مدور خوش گوشت علامت
عیش و عشرت بود و اگر در نواف چند چین بفتد و موی شکم برنگ طلا باشد
علامت سعادت و دولت بود و آن بن البته پاوشا شود و اگر از سر تا
تا زیر خطمی باشد از مویهای نرم و یار یک علامت دولت و سعادت بود
اگر نواف جانب راست اندکی بلند بود علامت سعادت و دولت بود و اگر

و اگر بر نافتن خال نرود مثل نرعفران باشد علامت دولت بود و پسران زاید
و نافت کم گوشت برون بر آید علامت نکبت و فلاکت بود و کم خوش گوشت
خوش اندام مایه پست علامت سعادت و دولت بود و شکم که مانند پشته
یعنی پهن و پر گوشت باشد علامت پسر زائیدن صاحب دولتی باشد و اگر
بر شکم رگهای نیلگون نمودار باشد خواه زن باشد خواه مرد علامت سلطنت
دولت بود و اگر رگهای سرخ بود علامت بد فعلی قحلی باشد و اگر مرد باشد
علامت فسق و فجور و زنا بود و اگر پسر کم لکه سیاه باشد علامت فقر
و درویشی سرگردانی بود خواه زن باشد خواه مرد و اگر پدینه رگهای سرخ باشد
علامت علم و دانش و دولت و مال بود و شوهرش بسیار بود و در پدینه
و تنگ علامت بخت و محنت بود و پست بلند علامت پرستاری بود و پشیمانی
کلنگ باشد یعنی اندکی پسته دار علامت فراوانی و دلاکی باشد و پشیمانی
پشت آبرو باشد علامت سعادت و دولت بود و موی بر پشت علامت نکبت
و فلاکت بود و پشیمانی بر پشت علامت بخت و محنت بود و شوهران بسیار
و لپه‌ها بر پشت یعنی داغ سیاه علامت دولت و سعادت بود و اگر بر پشت
رگها نمودار باشد علامت درازی عمر بود و پشت دراز کاواک علامت

رنج و محنت و فلاکت و پستی در این مرغ خوش قبه و خوش گوشت و سخت
 که رگباران شود و از باشد علامت سعادت و دولت بود و شوهرش
 بسیار دوست دارد و پستان در راز پر گوشت علامت فرزندان و اولاد بسیار
 بود و پستان بسیار در راز کم گوشت علامت رنج و محنت و فلاکت بود و
 و کم گوشت بمنزله مثل خرطیه خالی نیز علامت نکبت و فلاکت باشد و پستان
 بلند بی اندام و رشت ترکیده جلد علامت کنیزی و پرستاری بود و در
 جلد سرخ رنگ علامت بی فرزندی باشد و اگر زیر پستان خال سرخ باشد
 سرخ واقع شود آن زن اول پسری زاید خصوصاً که خال با میسه جانب چپ باشد
 و اگر آن خال بر پهلو یا بر کمر یا بر گوش یا بر دست جانب راست باشد نیز
 علامت همین حکم دارد و اکثر پسری زاید و اگر یک پستان سخت باشد و دیگر
 نرم یا یکی کلان و دیگر خرد علامت رنج و محنت و غم و اندیشه بود و گفت
 خوش اسلوب و خوش گوشت و خوش اندام و نرم و نازک و کف دست
 سرخ مثل گوشت علامت سعادت و دولت بود و خشک کم گوشت و کاف
 و سیاه بکسر آن باشد ناخوش بخت و در همه ار مثل شست کشت با یک
 رنگ و بر این شکل کول علامت سعادت و دولت بود و ناخن سبز و زرد

و فروخته و بجایان هموار و ترکیه و زرد یا سیاه رنگ همه بر عکس این باشد
 و اگر در کف دست نشان بدیم قیچی کل کول چتر و برق ماهی مالا یعنی سیخ و
 کوتری یعنی خرچهره باشد علامت سعادت و دولت بود و آن بن البتّه نشان
 شود و یا شوهرش بد دولت عظیم برسد و باقی خطوط است زن مثل خطوط و
 میباشد مگر مردان است است معتبر است و در زنان است چپ چنانکه در
 نوع دوم از شعبه اول گذشت گردن و گلو که مثل گردن و گلو می آید
 باشد علامت سعادت و دولت بود و گردن کوتاه و باریک یا سیاه
 سطر و قریه علامت رنج و محنت و فلاکت بود و گلو می حلقوم دراز و
 سطر و بد اندام علامت محنت و فلاکت بود و زخمی در میان پیشانی که شست
 و مدور علامت سعادت و دولت بود و خصوصاً که چاه داشته باشد و زخمی در
 دراز و کم گوشت علامت نکبت و فلاکت بود و اگر مع هذا بر زخمی در این موی
 باشد بدتر بود و سیوه کرده و غنغب خوش گوشت که یک چهره داشته باشد
 علامت سعادت و دولت بود و لبهای سرخ و باریک است اعتدال
 علامت سعادت بود و لبهای سیاه و دراز علامت فلاکت و بیوگی بود
 و اگر مع هذا بر پشت لب موی باشد مثل برکت مردان بدتر بود

کج
 سر

زخمی

غنغب

ب

و این بن تمام عمر و جوی کی نکبت و فَلَاکت بگذرانند و بان تنگ مثل غنچه کوی
بود بان سپیده علامت سعادت و دولت بود و بان فراخ و دراز چنانچه در وقت
خنده و همه دندانهای کرسی بناید علامت رخ و محنت و فَلَاکت بود و دندانها
شمر و بر اوج و ابدار مثل دانه انار علامت سعادت و دولت بود و دندانها
بس و باز و بلند و بچیلای علامت نکبت و فَلَاکت بود و دندانهای ناهموار
و پست و بلند علامت نکبت که فرزندان نشنوند و بمیرند لاشه سیاه
سیاهی کوبش تیغ دندان علامت نکبت و فَلَاکت بود و بعضی بکس کشیده
زبان سرخ و باریک علامت سعادت و دولت بود و زبان سبزه
و سفید و درشت علامت نکبت و فَلَاکت و بیوگی بود و آن بن همیشه بود
باشد و اولادش نشنود و زبان سیاه علامت جنگ آوری و بد خلقی
و بد خوئی و بد بینی زبان بود یعنی بر کعبه گوید و بر سخن بد که از زمان بر
اثر آن بد و ظاهراً شود کام سرخ میان درشت علامت سعادت و دولت
بود و کام سفید علامت کینری و پرستاری بود و کام زرد علامت
فسق و فجور و دروغ گوئی باشد و کام سیاه علامت نکبت و فَلَاکت بود
بود و کام قرمز و پر کشت علامت بی دولتی باشد یعنی میان درشت

بود خوش اندام مثل منقار طوطی که غنچه کل دنیا و غیر آن علامت سعادت و دولت بود
 و بینی خرد و فربه و از پیش فرو افتاده علامت کنیز کی و پرستاری بود و بینی
 پهن مثل بینی کربه علامت فسق و فجور و بدکاری بود و اگر سر بینی بسیار دراز
 و نو که از باشد علامت خشم و غضب بدخالی بود و اگر در رخسار بوقت سخن گفتن
 یا خندیدن مغاک افتد مادر و پدر آن زن میرند و بعضی گویند آن زن شوهر
 خود را خوش نکند و دیگر را بخوابد و خود کام باشد چشمهای دراز و بفتاد
 سیاه و بیضه چشم نهایت سفید و رکها در و بار یک سرخ و سفید می چشم
 او پاکنده و آبدار و پر شرم علامت سعادت و دولت بود و چشمهای سرخ علامت
 سرخ و محنت بود و چشمهای ازرق علامت بدکاری و بد عملی و شرارت بدو
 باشد و چشمهای مالین نزد علامت غفلت و شعور بود اما زود بیهوده کرد و آبرو
 در آن کشیده و خمیده و خوش موی و بناله دار علامت سعادت و دولت باشد
 و آبروی کمی تاه و بی موی کم موی علامت رنج و محنت و فلاکت و بیوگی بود
 و آبروی پیوسته که میان دو بر موی بسیار باشد علامت بکار موی و بی بیوگی بود
 گوش هر دو یکسان مثل ناله افشان علامت نکبت و فلاکت بیوگی بود و بیوگی کن را گوش
 علامت نکبت و فلاکت باشد و چشمهایی که بمقدار سه انگشت یا چهار انگشت و عین بود

نکبت

چشم

رنگ

رنگ

چشم

دور از دولت و هموار و از موی صاف پاک بود علامت سعادت و دولت علی
در پیشانی علامت است که آن بن و حج پس زاید و همه دولت مند باشند و اگر وقت خیزد
پیشانی چنین نغیبه علامت دولت بود و اگر در پیشانی مخطی شکست ظاهر شود علامت
است که آن بن به هزار زنان خداوندی و صاحبی حکم رانی کند و پیشانی
تنگ موی علامت نکبت و فلاکت باشد مویهای سحر دراز و سیاه
و براق علامت سعادت و دولت بود و مویهای سبزه و درشت علامت بیوگی
باشد و موی انبوه در سر و میگویند بال بزرگ که پراکنده و پریشان با و بر دوش
و بر سینه افتد و بر فرق و سر نیز پریشان ایستاده مانده علامت نکبت و فلاکت
بد کوئی و بد خلقی بود موی در پیش سر علامت بیوگی و بدکاری و بد فعلی بود
و موی برگردن علامت فلاکت و نکبت باشد و زنجیر بر چهره اش علامت
شجاعت و مردانگی ظاهر باشد و بر بدنش مویهای سیاه باشد علامت کنیزگی و پرستاری
بود مویهای سیاه و درشت بر بدن مثل موی فیل که علامت نکبت و کنیزگی و
پرستاری بود و اگر در عضوهای بعضی جای نباشد و خم و موج خورده باشد علامت بیوگی
باشد چنانچه زیاده از شش ماه شوهرش نزیارد و در مسامی موی علامت نکبت
و موی عکس آن باشد اگر در عرق بدن بنی بوی تلخ مثل بوی خنثی و گل

خارجی

و دراز و بلند و هموار و از موی صاف پاک بود علامت سعادت و دولت و بخت
 و پیشانی علامت است که آن تن هیچ پسر زاید و همه دولت مند باشند و اگر وقت
 پیشانی چین افتد علامت دولت بود و اگر پیشانی مخطی شکست ظاهر شود و علامت
 است که آن بن بر هزار زنان خداوندی و صاحبی حکم رانی کند و پیشانی
 تنگ پر موی علامت نکبت و فلاکت باشد موهایی سر دراز و سیاه
 و براق علامت سعادت و دولت بود و مویهای سبزه و درشت علامت بخت
 باشد و موی انبوه و سر و میگون با لب بزرگ که پراکنده و پریشان باد و سر
 و بر سینه افتد و بر فرق و سر نیز پریشان ایستاده ماند علامت نکبت و فلاکت
 بدگونی و بد خلقی بود موی در پیش سر علامت بویگی و بدکاری می بد خلقی بود
 و موی برگردن علامت فلاکت و نکبت باشد و زنی که بر چهره اش علامت
 شجاعت و مردانگی ظاهر باشد و بر بدنش موهایی سیاه باشد علامت کنیزگی و پرستاری
 بود موهایی سیاه و درشت بر بدن مثل موی فیل که علامت نکبت و کنیزگی و
 پرستاری بود و اگر در عضو می بعضی جان باشد و خم و منحنی خورده باشد علامت بویگی
 باشد چنانچه زیاده از شش ماه شود هر شش زاید و در مسامی که موی علامت نکبت
 و موی نیکس آن باشد اگر در عرق بدن بی موی یا بوی تلخ مثل موی خستیم و کل

سوی

پیشانی

سر

پیشانی

وکل تو طمری یا بز یا کر به آید این همه علامت نکبت و فَلَاکت باشد و اگر بوی سیر
و شاش کا و وستی فیال کند یک و زیر پنج و چھو ندر و ماہی آید و ریخه مشتق و گندہ
باشد و دماغ آنرا تحمل نتواند کرد این همه علامت نکبت و فَلَاکت و بوی گوی و بی
و اگر بوی لک یعنی لاکه آید او را نزوج بهم نرسد و اگر بوی کل چنبا باشد یا شہید
علامت سعادت و دولت بود و اگر از دہانش رخ و اخ خوش و پسندیدہ آید نیز علامت
خیر و سعادت است و اگر رخ و اخ منقطنہ و کندہ آید علامت نکبت و فَلَاکت و ناخوش
شوہر باشد و ز نیکہ بسیار دراز بالا یا کوتاہ یا بسیار خشک و لاغریا بسیار و ز نیکہ
باشد علامت بد بود و ز نیکہ بسیار خوار و بسیار خواب یا پر کو و یا بسیار خاموش
باشد و یا بی سبی حیران فکر زده بماند و ہمیشہ مغمو م باشد و بیوجہ بسیار خندد
یا بگرید و یا بسیار خشم گیرد علامت نکبت و فَلَاکت باشد و ز نیکہ در راه رفتن
بسیار بجنبند و خم و چم بسیار دآ باشد و چشمهای شوخ و شنک و آشتہ باشد
و دیدہ را در کاسہ چشم بسیار بگرداند و پشت چشم نازک کند علامت بدکاری
و عیاری بود و بہر تقدیر حسن خلقت و صورت و تناسب اعضا و حسن است

و مکارم اخلاق علامت سعادت و دولت بود و

بالعکس ان عکس آن باشد و الله اعلم

॥

یہ مجموعہ قاضی صاحب افادت ثابٹ ہر علم و فن و فنون اقصاء و موزات سخن مقبول بارگاہ الایزہ

مولوی محمد ہادی علی مدظلہ العالی

حمد خدای که خالق همه موجودات خویش فرمود و علایمات خیر و سعادت در جسم انسان منعقد است

زنانک سب خیر ارکان است و از خامه اختر عشقش گویند که بر سیل نجاست و در و دریا

میر عزیز لہا شاہد عمر کتنا سب اللہ عطا کہ ملک لا حوت زیر کمر لکین : و جو حصہ جانہا نو سنی و

نرم مکان از جهان جهان این شیخ معصوم گوشت زایا امید ازیر و خوشترش تازه و بستن علیهم

[illegible]

کارنامه نزرکان و پندوران ساله قیامه مردان و زنان که علم است عجب کاشف کاشف

سراسر کوثر شہر دراز و مشہور و کھانا و قدرت و سزا از ان بے سبب یا تمام افسانہ البیعت و در اعدا افسانہ

مخت دولت چاهر شهر بغداد، محمد محسن در مقام سرور شده کانه محض محال

متشکل از یک استاد، دو صفا، و بازنه و نقدها ۱۲۶۰ هجری است

عاشق و معشوق

عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى الْمَرْجِيَةِ وَبِجَدِّهِ الْكَرِيمِ سُبْحَانَهُ الطَّيِّبِ الْعَزِيزِ